

سبک‌شناسی قصاید میرزا سیدیحیی مدرس متخلص به فدایی یزدی

فاطمه چاشنی‌گیر، عزیزالله توکلی کافی آباد*، محمود صادق‌زاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

اسفند ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۲، صص ۸۱-۶۵

DOI: 10.22034/bahreadab.2023.15.6698

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: میرزا سیدیحیی مدرس متوفای (۱۲۸۲ هـ. ق) متخلص به فدایی یزدی از شخصیت‌های علمی و ادبی عصر قاجار است که آثار متعددی در نظم و نثر به زبان فارسی و عربی دارد. دیوان او مجموعه‌ای از غزلیات، قصاید، مثنویات، قطعات و رباعیات است. علاوه بر آن دو منظومه به زبان عربی دارد. این مقاله به بررسی ویژگی‌های سبکی و محتوایی قصاید او از جنبه‌های زبانی، لغوی، نحوی، ادبی و فکری اختصاص یافته است. هدف از این بررسی، دستیابی به میزان توانایی شاعر بعنوان یکی از قصیده‌سرایان دوره بازگشت ادبی است.

روش مطالعه: پژوهش حاضر بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای انجام شده که محدوده و جامعه مورد مطالعه آن نسخه خطی معتبر به خط خود شاعر محفوظ در کتابخانه شخصی سید یحیی مدرسی میباشد.

یافته‌ها: فدایی یزدی در سرودن قصاید مدحی توانایی خود را به اثبات رسانده و مهارت وی در تصویرسازیهای تشبیهی و استعاری در مقدمه قصاید است. زبان شعر او سرشار از صنایع ادبی زیباست و کاربرد فنون بیان بویژه تشبیه حسی به حسی و آرایه‌های بدیعی موازنه و تلمیح بسامد بالایی در آن دارد. انتخاب بحر مجتث و رمل موجب تناسب وزن با محتوا شده و بهره‌گیری از قافیه‌های ثقیل عربی از شاخصه‌های شعر اوست. بلحاظ فکری درونمایه اصلی قصاید او مدح است و ممدوح اصلی او بزرگان دین بخصوص حضرت علی (ع) است. در محتوای قصاید فدایی یزدی توصیف طبیعت و معشوق، همچنین گله از روزگار و اظهار یأس و ناامیدی جلوه‌گر است.

نتیجه‌گیری: فدایی یزدی قصیده‌سرایی توانمند بوده است. از ویژگی‌های برجسته شعر وی کاربرد فراوان واژه‌ها و ترکیبات زبان عربی است که گاهی خواننده را در فهم معانی شعر دچار مشکل میکند. او مانند شعرای همعصر خویش به سبک خراسانی و تقلید از متقدمان پرداخته و در انتخاب وزن، قافیه و مضامین به شعر آنها نظر داشته است و بخوبی ویژگی‌های شعری قصیده‌سرایان پیشین را شناخته و توانسته است ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری آنان را در قصاید خود منعکس کند.

تاریخ دریافت: ۲۵ بهمن ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۲۷ اسفند ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۱۴ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

فدایی یزدی، قاجار، قصاید، مدحی، سبک‌شناسی، تشبیه.

* نویسنده مسئول:

tavakoli@iauyazd.ac.ir

۳۱۸۷۲۵۱۵ (۹۸ ۲۵) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of the Odes (Qasidas) of Mirza Seyyed Yahya Modarres alias Fadaei Yazdi

F. Chashnigir, A. Tavakoli Kafiabad*, M. Sadeghzadeh

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 11 February 2022

Reviewed: 18 March 2022

Revised: 03 April 2022

Accepted: 18 May 2022

KEYWORDS

Fadaei Yazdi, Qajar, Ode (Qasida), praise, stylistics, simile

*Corresponding Author

✉ tavakoli@iauyazd.ac.ir

☎ (+98 35) 31872515

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mirza Seyyed Yahya Modares, deceased (1282 AH), nicknamed Fadai Yazdi, is one of the scientific and literary figures of the Qajar era, who has numerous works in poetry and prose in Persian and Arabic. His divan is a collection of Sonnets (Ghazal), Odes (Qasida), Mathnavis (Masnavi), Pieces (Ghat'e) and Quatrains (Robaei). In addition, he has two poems in Arabic. This article is dedicated to examining the stylistic and content characteristics of his poems from linguistic, literary and intellectual aspects. The purpose of this study is to determine the ability of the poet as one of the ode writers of the Literary Return period.

METHODOLOGY: The present study is based on a descriptive-analytical method with library tools which has been done on a valid manuscript with the poet's own handwriting in the personal library of Seyyed Yahya Modarresi.

FINDINGS: Fadai Yazdi has proved his ability in composing praise poems. His skill is in simile and metaphorical illustrations in the introduction of the odes. His poetry is full of beautiful literary industries. The use of expression techniques, especially sensory-to-sensory similes and novel balances and allusions, has a high frequency in his poetry. The choice of Bahr Mujtas and Raml makes the weight fit with the content and the use of heavy Arabic rhymes is one of the characteristics of his poetry. Intellectually, the main theme of his poems is praise, and his main praise is the great men of religion, especially Imam Ali (as). In the content of Fadaei Yazdi's Odes, the description of nature and the beloved and also complaining about the life and the expression of despair and hopelessness can be observed.

CONCLUSION: Fadaei Yazdi has been a powerful ode composer. One of the prominent features of his poetry is the frequent use of words and combinations of Arabic language, which sometimes makes it difficult for the reader to understand the meanings of the poem. Like his contemporary poets, he followed Khorasani style and imitated predecessors and has considered their poetry in choosing weight, rhyme and themes of his poems. He was well acquainted with the poetic features of previous poets and has been able to reflect their linguistic, literary and intellectual features in his poems.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6698](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6698)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 15	 4	 0

مقدمه

شناخت میراث شاعران و نویسندگان ادوار گذشته و شناساندن آن به نسلهای آینده از وظایف هر پژوهشگری است. یکی از این موارد، دیوان فدایی یزدی در عصر قاجار است که شعر و ادب فارسی گرفتار تقلید و تکرار و به اصطلاح سبک‌شناسی مکتب بازگشت شده بود. جنبش بازگشت همواره مورد انتقاد قرار گرفته است. اخوان ثالث درباره آن مینویسد: «نهضت بازگشت فقط بسان کودتایی بود برای ساقط کردن سلطنت انحصاری دودمان سبک هندی که همه از آن به تنگ آمده بودند» (به نقل از آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۱۹). اما خاتمی چنین میگوید: «سعی اینان بر این بوده است که فضای خود را به فضای قرن چهارم و پنجم، هفتم یا هشتم نزدیک گردانند. بهر حال با مطالعه در اشعار شعری این دوره ملاحظه میشود که اگرچه شعرای این دوره کمتر توفیق مضمون‌سازی و نوآوری را به دست آورده‌اند اما در جای خود خدمت بزرگی به حفظ زبان و ادبیات کهن ایران و زنده نگاه داشتن خاطره سرایندگان قدیم کرده‌اند و توانسته‌اند زبان فارسی را از سستی و کاستی برهاند» (خاتمی، ۱۳۷۴: ۲۰۲). شمیسا نیز چنین مینویسد: «ارزش شعر دوره بازگشت این است که مشتمل بر نقاوه و خلاصه‌ای از همه سبکها و جریانات مهم ادبی دوره‌های قبل است» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۳۰۹). شناخت و معرفی قصاید فدایی یزدی و نیز جایگاه ادبی آن، بدون شک با تحلیل و بررسی شاخصه‌های سبکی آن از جنبه‌های گوناگون به دست می‌آید. برای شناخت بارزترین ویژگیهای سبکی آن، تحقیقی روشمند لازم است که در این مقاله به آن می‌پردازیم.

سابقه پژوهش

قصاید فدایی یزدی تاکنون تصحیح و چاپ نشده است و هیچ پژوهشی در مورد این اثر صورت نگرفته است؛ بنابراین انجام پژوهشی مستقل در این مورد لازم است.

بحث و بررسی

معرفی دستنویسها بعنوان گنجینه‌های باارزش ادب فارسی همواره مورد توجه محققان بوده است و در این میان آثار شعرای گمنام ارزش ویژه‌ای دارد. آثاری که نمایانگر هویت ادب و اجتماع است. میرزا سیدیحیی مدرس معروف به سیدیحیی مکتب‌دار، متخلص به فدایی، فرزند میرزا محمدعلی مدرس (وامق یزدی) صاحب تذکره میکه است. همانطور که پدرش در تذکره خویش آورده، با دو واسطه (میرزا سیدیحیی ← محمدعلی وامق ← میرزا محمدباقر ← میرزا سیدیحیی (فدایی)) همنام جد خویش است. او از نوادگان صدرالدین محمد مدرس یزدی (صدرای کبیر) و خواجه محمد صادق بی‌غش کرمانی (شاعر) است. تذکره‌ها سال تولد میرزا سیدیحیی فدایی را ذکر نکرده‌اند، اما از زندگانی پدرش که بین سالهای ۱۲۰۰ تا ۱۲۶۲ هجری قمری میزیسته است، میتوان پی برد فدایی اندکی از دوران فتحعلی شاه قاجار را درک کرده ولی بیشتر زندگانی او در دوران محمد شاه قاجار و ناصرالدین شاه بوده است. محل تولد وی در هیچ تذکره‌ای ذکر نشده است اما به نقل از آقای سیدیحیی مدرس وامق که از نوادگان شاعر است، مکان تولد او محله قلعه کهنه یزد عنوان شده است. میرزا سیدیحیی فرزند ارشد و تنها پسر وامق بوده است که از احوال و زندگانی او اطلاع زیادی در دست نیست. وی از جمله شخصیت‌های علمی و ادبی نیمه دوم قرن دوازده میباشد که دروس و معارف ابتدایی را نزد پدر آموخت؛ آنگاه برای ادامه تحصیلات راهی مهمترین مدرسه دینی و علمی آن زمان در یزد یعنی مدرسه مصلاهی صفدرخان (مدرسه اسحاقیه) شد. بعد از کسب علوم دینی و ادبی متداول، علاقه زیادی به ادبیات عرب پیدا کرد

و در این زمینه بویژه علم نحو تبحر یافت. وامق فرزندش را خوش‌اخلاق، سالک، پرهیزکار، خوش‌حافظه و دارای طبعی روان دانسته است که برای مسائل اخلاقی و اجتماعی اهمیت بسزایی قائل است. میرزا سیدیحیی به پیروی از پدرش قدم در میدان شاعری گذاشته و در غزل و رباعی سرآمد دوران خویش شد. وی در شعر استاد و در نثر ماهر بوده است؛ چندانکه او را تالی‌خواجه عبدالله مرواریددوز شمرده‌اند. فدایی خطی کاتبانه داشته و گویا به همین دلیل پدرش در سال ۱۲۶۲ ه. ق پس از نگارش نهایی «تذکره میکده» آن را به یزد میفرستد تا نسخه‌ای از آن با خط خوش فرزندش استنساخ شود. تنها فرزند مشهور سیدیحیی فدایی، میرزا سیدحسین وامق، از علمای نامی یزد در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی اول است. در مورد تاریخ وفات او بوضوح اتفاق نظر وجود دارد. اکثر تذکره‌ها فوت او را سال ۱۲۸۲ (ه. ق) بر اثر بیماری وبا دانسته‌اند؛ زیرا «در این سالها سه بار بیماری وبا در یزد و اطراف آن بروز میکند؛ یک بار در سال ۱۲۳۷ (ه. ق) که طی آن حاکم یزد و دو فرزندش بدرود حیات میگویند» (وامق یزدی، به کوشش مسرت، ۱۳۸۱: ۳۶)، بار دیگر «در سال ۱۲۶۲ (ه. ق) وبا سراسر ایران را فرامیگیرد و محمدعلی وامق از جمله کسانی است که بر اثر ابتلا به این بیماری درمیگذرد» (همان: ۴۹). بار سوم «در سال ۱۲۸۲ (ه. ق) این بیماری باعث درگذشت تعداد فراوانی از مردم یزد و اطراف از جمله فدایی و سه پسر نوجوانش به نامهای باقر، احمد و حسن میشود» (همان: ۱۰۷) و تنها صاحب‌الذریعه در مورد تاریخ فوت او میگوید: «فدایی یزدی پس از سالها دانش‌پروری، سرانجام در سال ۱۲۸۰ قمری و به قولی ۱۲۸۲ قمری به مرض وبا درگذشت» (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۹، ۸۱۶).

آثار فدایی

*دیوان اشعار در قالبهای غزل، رباعی، قصیده، قطعه و مثنوی
 *«منظومه فی علم النحو» (نگارش ۱۲۰۰ قمری) که در خلال ۹۲۸ بیت عربی، اصطلاحات علم نحو را به نظم درآورده است. این منظومه اوج توانایی او را در نحو نشان میدهد.
 *«مستیقت» (نگارش ۱۲۸۰ قمری) که این کتاب به زبان عربی و موضوع آن انتقادی است.

قصاید فدایی یزدی

در کلیات فدایی یزدی ۱۷ قصیده (۶۸۳ بیت) وجود دارد که از آن سه نسخه خطی موجود است از این تعداد، دو نسخه خطی آن به شماره‌های ثبت ۴۱۷ (درایتی، ۱۳۹۱، ج ۱۵: ۶۵۸) و ۳۶۸۹ (شیروانی، ۱۳۵۰: ۱۷۵۰) موجود در کتابخانه وزیری یزد و یک نسخه دیگر که اساس کار این تحقیق قرار گرفته است، نسخه‌ای در کتابخانه شخصی آقای سیدیحیی مدرسی بوده که با خط زیبای خود شاعر نوشته شده است. قصاید فدایی یزدی آمیزه‌ای از سبک خراسانی و دوره سلجوقی است. زبان اشعار او پر از صنایع ادبی زیباست. کاربرد فنون بیان بویژه تشبیه و استعاره و برخی آرایه‌های بدیعی مثل جناس (در انواع مختلف)، تکرار، تلمیح و موازنه در قصاید وی بسامد بالایی دارد. از شاخصه‌های برجسته قصاید فدایی، نمود لغات و ترکیبات عربی بوده که نشان‌دهنده تسلط او بر زبان عربی است. قصاید او نسبتاً طولانی و گاهی دارای دو مطلع است. بلندترین آن با مطلع:

شبی به فکر و صالح سری به کنج و نواق
 نهاده بر سر زانوی غم ز درد فراق

(۴۲)

و کوتاهترین قصیده با مطلع:

رخسار همچو ماه تو بیند گر آفتاب

از شرم رخ عیان نکند دیگر آفتاب (۷)

بیشتر قصاید او مقتضب است، اما در قصایدی که تغزل دارد به مضامینی چون معشوق، بهار و شکایت از روزگار پرداخته است. از تمام قصاید، چهار قصیده فاقد شریطه و تأبید بوده و یک قصیده تنها تغزل را دربر میگیرد. تمام قصاید از نوع مدحی است. مضامین قصاید مدحی عبارتند از: ستایش پروردگار (۲)، مدح پیامبر (۳)، مدح حضرت صاحب‌الزمان (۲)، وزیر زمان خود به نام میرزا فتاح (۱) و مابقی به مدح امام علی (ع) اختصاص دارد که بیانگر عشق و ارادت قلبی شاعر است. وجود چنین شعاری نشان‌دهنده اعتقاد و پایبندی وی به دین اسلام است. سرودن قصاید مدحی در دوران قاجار رواج داشته است. شمیسا در این باره مینویسد: «ایجاد دربار با شکوه و تثبیت حکومت مرکزی قاجار باعث شد تا شاعران دوباره در دربار جمع شوند و به مدح پادشاهان بپردازند. سلاطین قاجار خود را با سلاطین غزنوی و سلجوقی مانند میدانستند و لذا از شاعران انتظار قصاید مدحی داشتند» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۹۸). مدایح فدایی یزدی در بیشتر موارد از تمجید منطقی عدول کرده و به مبالغه‌گویی رسیده است. وی در سروده‌هایش ۱۸۰ بار یعنی ۲۶/۴ در صد اغراق کرده است و گاه بحدی مقام ممدوح خود را بالا میبرد که حتی در ابیاتی خود را عاجز از ستایش او میداند:

زهی خجالت من با کدام استعداد
ز آسمان ورق آر سازد و ز بحر مداد (۱۳)

شها به مدح تو خواهم گشود لب اما
یک از هزار مدیح تو خامه نگارد

برخی نوآوریها، ویژگیهای سبکی و نقاط ضعف و قوت شاعر

فدایی یزدی قصاید خود را بگونه‌ای طراحی کرده که گویی تابلوی است که کلمات عربی و عجمی به یکسان در کنار هم قرار گرفته‌اند. بسامد بالای واژه‌ها و ترکیبهای عربی و کاربرد آنها به گونه‌های مختلف اسم فاعل و اسم مفعول و بردن آنها به بابهای گوناگون در عین حال که معانی را دشوار ساخته، به توانایی او ارج نهاده است. وی مهارت در کاربرد صنایع ادبی مختلف بخصوص تلمیح را در ستمایه‌ای برای هنرپردازی دانسته و با بهره‌گیری از داستانهای تاریخی و اسطوره‌های ملی و عاشقانه، دایره اطلاعات خود را به نمایش گذاشته و با کاربرد طبیعی تشبیه محسوس به محسوس، به قلم تقلید بر سبک خراسانی صحنه گذاشته و در کاربرد تشبیه بلیغ گاه یک ترکیب را به گونه‌های مختلف به کار برده است؛ مانند ماه‌منظر، ماه‌طلعت، ماهروی و اینگونه مهارت خود را به اوج رسانده است. فدایی یزدی در قصاید خود به بهترین شکل ممکن بزرگان دین بخصوص حضرت علی (ع) را بر تخت مدح نشانداده است. در کنار محاسن بیان شده، نقاط ضعف اندکی مشاهده میشود که در زیر آمده است.

*تنافر حروف در واژه چَبُود بجای چه بود

سخن در کام او چَبُود چه روح عیسی مریم / قلم در دست او چَبُود چه چوب موسی عمران (۲۶)

*حذف واج: آوردن کلمه محرم بجای محروم

من و محرم از خوان عطای تو عجب دارم / که بر خوان عطای تست هر جنبنده‌ای مهمان (۲۷)

*قلب حروف: آوردن واژه نیسان بجای نسیان

معاذالله خطا گفتم کجا ذات تو و غفلت / در این گفتن غلط کردم کجا شخص تو و نیسان (۲۷)

*غلط املائی: آوردن کلمه خورده بجای خرده:

اگرچه رسم بزرگی تو بشناسی لیک / بگویمت سخنی از من آن به خورده مگیر (۱۷)

عیوب قافیه

*ایطای جلی: قنبر او کش غلامان بی‌شمار / و آن یکی کز جمله نامش کمتر است (۴۱)
*اقوا: حرکت حرف قبل از روی در تمام ابیات قصیدهٔ صفحهٔ ۳۸ نسخهٔ خطی فتحه است، اما در بیت زیر بصورت کسره است.

بگذرد بر خاطر هر کس دلا / یاد زلف او پریشان خاطر است (۳۹)

*اختلاف در حرف روی: حرف روی در تمام ابیات قصیدهٔ صفحهٔ ۸ نسخهٔ خطی حرف «ح» است بجز بیت زیر:
برآر کام دل یزدیان به بخشش و جود / به شکر آنکه تویی اهل یزد را حجاج (۱۰)
*بسامد بالای تکرار قافیه بطوریکه در قصیدهٔ صفحهٔ یازده نسخهٔ خطی قافیه‌های انور، بدبنیاد، عناد و یاد، دوازده بار تکرار شده است.

سبک‌شناسی قصاید فدایی یزدی

هر اثر مکتوبی در هر سطح دارای سبک مخصوص به خود است اما «در میان انواع ویژگیهایی که در یک اثر دیده میشود، فقط ویژگیهایی در پدید آوردن سبک دخیل هستند که بسامد فراوانی در آن اثر دارند و به آنها ویژگیهای «سبک‌ساز» میگویند. حال این مختصات ممکن است زبانی، فکری یا ادبی باشند» (غلامر ضایی، ۱۳۷۷: ۲۰۶)؛ بنابراین لازم است که نظری به قصاید فدایی یزدی در سه سطح داشته باشیم.

سطح زبانی

بررسی آوایی: تمام هنجارهای مربوط به سطح آوایی اثر، هماهنگیهای موسیقایی و آرایه‌های لفظی در این سطح بررسی و تحلیل میشود.

موسیقی بیرونی (وزن): تحلیل نظام موسیقایی از جمله شیوه‌های رایج در شناخت سبک شعر است و بارزترین وجه موسیقی شعر، عروض یا موسیقی بیرونی است. فدایی یزدی در مجموع قصاید خود از هفت بحر بهره گرفته است. نتایج حاصل‌شده دربارهٔ میزان استفادهٔ شاعر از بحرهای عروضی در زیر آمده است.
بحر مجتث (۴۱/۱)، رمل (۴/۲۹)، هزج (۱۱/۷۵)، رجز (۵/۸۸)، مضارع (۱۱/۷۵)، خفیف (۱۱/۷۵).
در بین این بحور، مجتث و رمل بسامد بالاتری دارند. فدایی یزدی وزن را متناسب با محتوا به کار برده و بگونهٔ مطلوب منظور و احساس خود را به خواننده منتقل کرده است.

موسیقی کناری (قافیه و ردیف): آنچه در بررسی موسیقی کناری مورد توجه قرار میگیرد، قافیه و ردیف و نکات مربوط به آنهاست. قافیه را جزئی از وزن بحساب آورده‌اند از جمله در تعبیر ابن‌رشیق که میگوید: «وزن بزرگترین رکنهای شعر است و آن مشتمل بر قافیه نیز هست و آن را بدنبال خود میکشاند به ضرورت» (العمده، ج ۱: ۱۳۴). قصاید فدایی یزدی از جهت قافیه غنی است و بکارگیری الفاظ زیبا و موزون و پرمحتوا در قافیه نشان‌دهندهٔ آگاهی از علوم مختلف زمان خود بخصوص علوم عربی است. از ویژگیهای بارز او در آوردن قافیه، استفادهٔ زیاد از کلمات عربی مثل اعناق، احداق، استرقاق، اصفاح، فجار و همچنین استفاده از ترکیبات عربی مثل خیرالانام، حجة الزمن، و یوم القیام است.

در بعضی قصاید فدایی یزدی مثل قصاید صفحات ۸، ۱۵، ۱۸، ۳۵، ۴۲ نسخهٔ خطی، تمام واژه‌های قافیه، عربی هستند. گاهی حروف ناصبهٔ عربی واژهٔ قافیه قرار گرفته است مثل:

در نحو تا ز ناصب و جازم سخن رود / وین را اثر ز کم بود آن را نشان ز لن (۳۲)
و گاه اسامی خاص افراد معروف، قافیه شعر قرار میگیرند، مثل عیسی، امیرالمؤمنین، ذوالیزن، آبتین، حسان، نوشروان.

در قصاید فدایی، تکرار قافیه بسامد بالایی دارد وی ۳۱ بار به تکرار قافیه پرداخته، بطوریکه در قصیده صفحه ۱۱ نسخه خطی، تکرار قافیه‌هایی مثل انور، عناد، بد بنیاد، قرار و یاد مشاهده میشود. قصاید فدایی نشان میدهد که عیوب قافیه در شعر او زیاد نیست و در حد ایطای جلی در صفحه ۴۱ و اقوا در صفحه ۱۰ و اختلاف در حرف روی در صفحه ۳۹ نسخه خطی است و این نشان‌دهنده توجه بالای شاعر به قافیه است. ردیف در موسیقی شعر نقش بسزایی دارد و شاعران در اشعار خود از ردیف بعنوان کامل‌کننده موسیقی شعر بهره برده‌اند، اما فدایی یزدی برای تحرک و زیبایی شعر خود به قافیه بسنده کرده و از مجموع ۱۷ قصیده تنها ۳ قصیده یعنی ۱۷/۶٪ از ردیف برخوردار است که در این میان یک قصیده یعنی ۳۳/۳٪ ردیف اسمی و دو قصیده یعنی ۶۶/۷٪ ردیف فعلی دارد.

موسیقی درونی

*تکرار: تکرار کلمه بر موسیقی و زیبایی شعر تأثیر بسزایی دارد تا جایی که شمیسا میگوید: «تکرار در زیبایی شناسی هنر از مسائل اساسی است. صداهای غیرموسیقایی که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح میشود» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۸۹). تکرار در شعر فدایی یزدی بسامد بالایی دارد و در قصاید ۵۲ بار یعنی ۷/۶۱٪ بکار رفته است:

ترا چو جان به بغل دارم و ز جان سیرم کسی شنیده که کس گشته باشد از جان سیر
(۱۵)

*قافیه میانی: از تأثیرات کاربرد قافیه میانی در شعر، بالا بردن میزان آهنگ آن است و به ایجاد وزن در مصراع کمک میکند. در قصاید فدایی یزدی ۳۵ مورد یعنی ۵/۱۲٪ قافیه میانی مشاهده میشود، بطوریکه در قصیده صفحه ۳۲ نسخه خطی تمام ابیات از قافیه میانی بهره‌مند هستند. بیت زیر نمونه‌ای از آن است:

شاهنشه پیغمبران، فرمانروای برتران آن کز میان سروران مدحش سزاوار آمده
(۳۳)

*جناس: فدایی یزدی با کاربرد انواع جناس به غنای موسیقایی قصاید خود افزوده است و در این میان کاربرد جناس مضارع و زاید از همه بیشتر و جناس لفظ از همه کمتر است. نمونه‌هایی از آن:

به پیش رای تو پوشیده نیست حالت او اگر چه خصم تو پوشیده جامه تزویر
(۱۷)

به گردون آن کو خسرو سیارگان آمد به خرگاهش کمین بنده به درگاهش کهین دربان
(۲۶)

مؤالفان تو در دل عزیز همچون گل مخالفان تو در دیده خوار همچون خار
(۱۴)

*واج‌آرایی: این آرایه که به همحروفی و نغمه حروف نیز معروف است، در قصاید فدایی یزدی بوفور دیده میشود که موجب غنای موسیقی آن شده است، مانند بیت زیر:

اگر چه رو به حیل‌تگر است اما نیست
مجالش این که تواند به شیر شرز به شایق
(۴۵)

*تضاد: تقریباً در ۵۵٪ قصاید فدایی یزدی تضاد به کار رفته است و بسامد آن بالاست. تضادهای موردنظر شاعر بیشتر در کلمات «امروز و فردا»، «مؤلف و مخالف»، «خاص و عام»، «پیر و جوان»، «شیخ و شاب» است. مانند:
درگه تو مرجع تاجیک و ترک از شیخ و شاب
حضرت تو ملجأ پیر و جوان از خاص و عام
(۲۱)

شاعر در قصاید خود از نوع دیگری از تضاد به نام «مقابله» بهره گرفته است که در صفحات ۱۶ (دو بار)، ۱۷، ۲۲، ۲۳، ۲۵ (دو بار) و ۴۶ نسخه خطی مشاهده میشود، نمونه آن در بیت زیر آمده است:
باد شام نیکخواهان تو چون صبح از ضیاء
باد صبح بدسگالان تو چون شام از ظلام
(۲۳)

سطح لغوی

کاربرد واژه‌ها و ترکیبات عربی: «استفاده از واژه‌های عربی در شعر بازگشت، حاصل ممارست و تمرین شعرا برای توانمندی در پیروی و تقلید از شعر دوره‌های گذشته بویژه اشعار دوره غزنوی و شعرایی چون منوچهری دامغانی است» (شاملو و دزفولیان، ۱۳۸۷). فدایی یزدی بدلیل تأثیر از زبان و ادبیات عرب و بهره کافی از علم عربی، حدود ۶۰۳ واژه و ترکیب عربی در قصاید خود به کار برده است.

دل رحیم تو شد شخص ظلم را منع
کف جواد تو شد بحر جود را ملاح
(۹)

گاهی همه مصراع به زبان عربی است:

کی توان بودن مدام از جو گردون در خمار
أعطنی یا ساقی الصهباء كأساً من مدام
(۲۰)

در اشعار فدایی یزدی جمع مکسر بوفور مشاهده میشود:

به گاه معرفت یک صفت ز او صافش
ز بان به عجز گشایدند زمره عرفا
(۱)

نمونه‌های دیگر: اعدای (۴)، انبیا (۱۰)، مکارم (۲۰)، احباب (۳۱)، احداق (۳۵).

شاه سوار لافتی، شمس الضحی، بدرالرجی
تاجدار هل اتی کهف الوری خیر الانام
(۲۰)

نمونه‌های دیگر: کحال ابصار (۳۴)، حدایق احداق (۳۵)، ممالک طاق (۳۵)، کهنه و شاق (۳۸). بررسی بسامد کلمات در قصاید فدایی یزدی نشانگر آن است که برخی از آنها کاربرد بیشتری دارند که این کلمات و اصطلاحات به چند دسته یعنی «مذهبی و اعتقادی»، «نجوم و موسیقی»، «سامی خاص»، «عرفانی و رندی» تقسیم شده است.

-کلمات مذهبی و اعتقادی: «خدا، دین، بهشت، جهنم، دوزخ، نبی، اسلام، پیغمبر و...» بسیار به کار رفته است:
ای قوام مذهب ا سلام. ای کز ذات تست
ملک و دولت را نظام و دین و مذهب را قوام
(۲۰)

-کلمات عرفانی و رندی: زهد، شراب، ساقی، ساغر، صنم، زلف، خال و...:

گر نوشم در چنین روزی شراب لعل‌فام
خود بگو زاهد چه سازم از پس چندین عذاب
(۶)

-اسامی خاص اشخاص:

*آوردن نام شاعران مثل محتشم کاشانی، وحشی بافقی، حسان و ... همچنین است بیت:
ا نوری و ص با حی و ح یرت
اندرین بحر کرده استرقاق
(۳۸)

*آوردن نام فلاسفه، بزرگان دین و پادشاهان:

با ذهن او ارسطو شرمنده از ذکا
با فهم او افلاطون درمانده از فطن
(۳۱)

هم فریدون فر دارا حشمت است
هم سلیمان ملک اسکندر در است
(۴۱)

-اصطلاحات و کلمات مربوط به موسیقی مثل مطرب (۴ بار)، چنگ (۳ بار)، رباب (۱ بار)، عود (۳ بار) و ...:
مطربان را میرسد بر چرخ امروز از نشاط
نغمه عود و نوای چنگ و آه‌نگ ر باب
(۶)

از مجموع اصطلاحات و کلمات ذکرشده، کلمات و اصطلاحات مذهبی و اعتقادی بسامد بیشتری دارند.
-کاربرد کلمات کهن:

چند به گلخن نشسته‌ای به غم اندر
خیز و به گلشن خرام بهر تماشا
(۴)

شاخ ز گلبن نموده طلعت یوسف
لاله ز شبنم گرفته اشک زلیخا
(۴۷)

-کاربرد فعل «گرفتم» در معنی «فرض کنم» (۵ بار):
گرفتم اینکه گشایم زبان به شکوه چرخ
نیارم اینکه جفاهای او کنم تعداد
(۱۱)

سطح نحوی

- استعمال «مر» پیش از مفعول (۴ بار):
بزرگوارا ای آنکه مر بزرگی را
نوشته است به نام تو جامه تقدیر
(۱۶)

-آوردن الف ندا (۸ بار):

خداو ندا، کریم، منعم ای آنکه باشد
زبان در وصف تو عاجز، خرد در نعت تو حیران
(۱۶)

-کاربرد «چه» بجای «چو» (۵ بار):

سخن در کام او چبود چه روح عیسی مریم
قلم در دست او چبود چه چوب موسی عمران
(۲۶)

-کاربرد «او مبانیت» (۳ بار):

من و محرم از خوان عطای تو، عجب دارم
 که بر خوان عطای تست هر جنبنده‌ای مهمان
 (۲۷)

-آوردن «را» در دو معنی «به» و حرف نشانه مفعول، بواسطه آمدن فعل نگرستن و دادن:
 گل را بنگر نشسته خرم و خندان
 بلبل را بین که گشته واله و شیدا
 (۴)

بارزترین ویژگی نحوی در قصاید فدایی یزدی کاربرد «را» در دو معنی حرف اضافه «به» و نشانه مفعول، و کاربرد الف ندا است.

سطح ادبی

«زبان ادبی زبانی است که مخیل و تصویری یعنی مرکب از تشبیه، استعاره، مجاز و... است» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۳۸). قصاید فدایی نشان می‌دهد وی از وسعت خیال خوبی بهره‌مند بوده است و با استفاده از تکنیکها و فنون ادبی و بیانی، مضمونهای شعری را با ترکیب صور خیال بیان میکنند.

تصویرسازی: تصویرسازی در شعر یعنی اینکه شاعر مثل نقاشی زبردست با استفاده از حروف و کلمات صحنه‌های زیبا پدید آورد. از ویژگیهای برجسته شعر فدایی یزدی مخصوصاً در قصاید دارای تشبیه او، تصویرسازی است. اینجاست که شاعر بر فضا، کلمات و معنا تسلط پیدا میکند و تابلوی زیبا و دل‌انگیز در مقابل دیدگان مخاطب قرار میدهد مانند:

عروس طبعم که آراسته به زیورهاست
 بجز قبول تو شاها نخواسته است صدق
 (۴۶)

بیان: «بیان، ایراد معانی واحد به طرق مختلف است، مشروط بر اینکه اختلاف آن طرق (شیوه‌های مختلف گفتار) مبتنی بر تخیل باشد، یعنی لغات و عبارات بلحاظ خیال‌انگیزی نسبت به هم متفاوت باشند» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۹). فدایی در بیان حالات شاعرانه و مضمون‌پردازی در بسامد بالایی از صور خیال استفاده کرده که در جدول زیر آمده است.

آرایه‌های ادبی	تشبیه	استعاره	مجاز	کنایه
تعداد	۲۶۲	۴۹	۲۳	۳۴
درصد	٪ ۷۱/۲	٪ ۱۳/۳	٪ ۶/۳	٪ ۹/۲

تشبیه: برجسته‌ترین صور خیال در اشعار شاعران سبک خراسانی تشبیه است. در قصاید فدایی یزدی نیز تشبیه از پرکاربردترین ارکان بیانی بحساب می‌آید. وی در سروده خویش، مجموعاً ۲۶۲ تشبیه به کار برده است. بر سیهای بعمل آمده نشان میدهد تشبیه بلیغ بیشترین بسامد و تشبیه مشروط کمترین بسامد را در قصاید فدایی دارد.

تشبیه	بلیغ	مفصل	مرسل	مجمل	مفروق	مرکب	ملفوف	مشروط	معکوس
تعداد	۱۰۹	۵۸	۳۶	۲۰	۱۴	۱۱	۷	۴	۳
درصد	٪ ۴۱/۶	٪ ۲۲/۱	٪ ۱۳/۷	٪ ۷/۶	٪ ۵/۴	٪ ۴/۲	٪ ۲/۷	٪ ۱/۵	٪ ۱/۲

*تشبیه بلیغ

تشبیهات بلیغ در کلام فدایی یزدی، بیشتر از نوع تشبیه بلیغ اضافی است و در این میان تشبیهات مرغ دل، بر عطا، بحر سخا و بار غم چندین بار تکرار شده است مانند:

از گلستان وصال برگشا بر من دری / زان که شد مرغ دلم بر آتش هجرت کباب (۷)

*تشبیه مفصل

کوس نالد همچو رعد و تیغ تابد همچو برق / کینه‌جویان با کمند رستم و با گرز سام (۲۱)

*تشبیه مرسل

چون نماید قامت چون سرو در صحن چمن / چون گشاید عارض چون ماه اندر طرف بام (۱۹)

*تشبیه مجمل

ابر ز باران بسان دیده وامق / گل به بهاران شبیه عارض عذرا (۴)

*تشبیه مفروق

هم قدش چون سرو باشد هم رخس مانند گل / هم دلش چون سنگ باشد هم تنش چون سیم خام (۱۸)

*تشبیه مرکب

شخصش به منبر از پی ارشاد مردمان / ماند به گلبنی که دمیده است بر دمن (۳۱)

*تشبیه ملفوف

روی و زلف و چشم آن زیباصنم / چون گل و چون سنبل و چون عیبر است (۳۹)

*تشبیه مشروط

دهد بر خاک اگر فرمان شود چون باد در جنبش / شود چون خاک خود ساکن، دهد بر باد اگر فرمان (۲۶)

*تشبیه مقلوب

از فروغ تیغ بر آن شام گردد همچو روز / وز عیار سُم اسبان روز گردد همچو شام (۲۲)

در قصاید فدایی یزدی تشبیه به اعتبار طرفین به دو صورت به کار رفته است:

تشبیه محسوس به محسوس: «تشبیهات حسی به حسی، ساده‌ترین نوع تجربه خیال و بازتاب جهان محسوس در ذهن شاعر است. «در سطح تشبیه حسی به حسی پیوسته، مؤلف پیوسته و لایه بیرونی امور را با هم مرتبط می‌بیند» (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۰: ۳۰۷). تشبیه حسی به حسی، در ادبیات کهن و مخصوصاً در سبک خراسانی رایج بوده است که در قصاید فدایی یزدی هم ۱۱۳ بار یعنی ۷۳/۹٪ به کار رفته است و بسامد بالایی دارد مانند بیت زیر:

ز غصه روی عدوی تو زرد چون آبی / باده روی محب تو سرخ چون تفاح (۱۰)

تشبیه معقول به محسوس: «آن است که مشبه عقلی و مشبه به حسی باشد. اینگونه تشبیه رایج‌ترین نوع تشبیه است، زیرا اهداف تشبیه، توضیح حال مشبه است و اگر مشبه به حسی باشد، مشبه عقلی بخوبی شناخته می‌شود» (قاسمی، ۱۳۸۸: ۳۰۴). تشبیه معقول به محسوس ۴۰ بار یعنی ۲۶/۱٪ به کار رفته است مانند بیت زیر:

تویی که ابر سخای تو هست لؤلؤخیز / تویی که ابر عطای تو هست گوهربار (۱۲)

استعاره: ذوق شاعرانه فدایی یزدی موجب بکارگیری استعاراتی شده که در آن تأثیر شعرای متقدم بر ذهن و زبان او آشکار است. در مجموع ۴۹ یعنی ۱۳/۳٪ استعاره به کار برده است که ۲۱ یعنی ۴۳/۰٪ استعاره مصرحه و ۲۸ یعنی ۵۷٪ استعاره مکنیه است.

*استعاره مصرحه

نثار خاک درگاهش کند تا صبحگه هر شب / از آن رو چرخ گردون بر کند از سیم و زر دامان (۲۶)
 *استعارهٔ مکنیه

گل را بنگر نشسته خرم و خندان / بلبل را بین که گشته واله و شیدا (۴)

دم از وفاق زند هر که با تو دست اجل / شود ز دامن عمر طویل او دحاح (۹)
 مجاز: در قصاید فدایی یزدی از ۲۳ مجاز بکاررفته، ۱۶ مورد به دو کلمه «کف» و «تیغ» اختصاص یافته است:

آنکه از مدحش فدایی همچو حسان عاجز است / آنکه از بهر مدحش ز آسمان آمد کتاب (۷)

کتاب: مجاز عام از خاص: قرآن

کنایه: کنایه‌ها در شعر فدایی یزدی فراوانند و بیشتر از نوع ایماء هستند. به قول شمیسا «و سائط اندک و ربط بین معنی اول و دوم آشکار است» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۳۴۱). نمونهٔ آن در زیر آمده است:

ای خون من در گردنت، در حشر گیرم دامنت / کز کشتن همچون منت از بهر چه عار آمده (۳۳)

خون در گردن بودن: کنایه از مقصر بودن، دامن گرفتن: کنایه از انتقام گرفتن

همچنین است: جبین بر خاک نهادن (۲۴) و (۲۹)، دل از کف دادن (۳۲)، کمر بستن (۳۴)، مو از خمیر کشیدن (۱۵)، جان به لب رسیدن (۴۲)، گام از سر ساختن (۱۹)، آب در لبین کردن (۳۲)، ملک زیر نگین داشتن (۲۴)

و ...

بدیع لفظی و معنوی

بدیع لفظی و معنوی	تلمیح	موازنه	تجاهل‌العارف	رجوع	تقسیم	حسن تعلیل
تعداد	۲۰	۲۷	۱۲	۹	۷	۵
درصد	٪ ۲۵	٪ ۳۳/۸	٪ ۱۵	٪ ۱۱/۲	٪ ۸/۸	٪ ۶/۲

تلمیح: فدایی یزدی با آوردن تلمیح، تسلط خود را بر داستانهای مذهبی، حکایت‌های داستانی عاشقانه و تاریخی بیان کرده است و در این میان به قصص مذهبی بیشتر نظر داشته است. وجود تلمیحات بسیار در این قصاید، نشان‌دهندهٔ گستردهٔ آگاهی شاعر و تنوع مضامین اشعار او نیز هست. نمونه‌های آن در داستانهای حضرت محمد (ص)، حضرت علی (ع)، فریدون و دارا، وامق و عذرا و... مشاهده میشود.

تو را اگرچه سلیمان یک از غلامان است / قبول پای ملخ میکند ز مور حقیر (۱۶)

موازنه یا مماثلت: موازنه نوعی هنرنمایی شاعرانه است و نشانگر آن است که شاعر در انتخاب کلمات و ایجاد توازن و تناسب در ابیات تسلط و مهارت داشته است. این آرایه که در سبک خراسانی کاربرد فراوانی دارد، در قصاید فدایی یزدی هم مشاهده میشود. نمونهٔ آن بیت زیر است:

ای به دست اقتدارت خنگ گردون را لگام / وی ز تیغ آبدارت دین و دولت را نظام (۲۱)

تجاهل‌العارف

خال بر رویش عیان گردیده یا بر مه کلف / روی در خطش نهان گردیده یا مه در غمام (۱۹)

رجوع

تو را با دیگران سنجم معاذالله خطا باشد / نظیرت نیست در گیتی مثالت نیست در کیهان (۲۶)

تقسیم

به دور جودش خالی نه غیر دست چنار / به دور عدلش جز نی نه برکشیده انین

هم آن به باغ قد افراخته است از پی دار / هم این به راغ کمر تنگ بسته از پی کین (۲۸)

حسن تعلیل

شمیم خلق خوشت با نسیم همراه است / وگر نه بهر چه زینسان معطر است ریاح (۸)

سطح فکری

مضامین قصیده

ستایش پروردگار	مدح پیامبر (ص)	مدح و توصیف حضرت علی (ع)	مدح امام زمان (عج)	مدح میرزافتاح	توصیف معشوق	توصیف طبیعت	وصف عید	گله از روزگار و بخت	خودستایی و حسد حاسدان	اظهار یأس و نامیدی
۱۵	۲۸	۹۱	۱۴	۱	۲۷	۷	۶	۲۵	۱۴	۲۸
% ۵/۹	۱۰/۹	% ۳۵/۶	% ۰/۵	% ۰/۴	% ۱۰/۵	% ۲/۷	% ۲/۳	% ۹/۸	% ۵/۵	% ۱۰/۹

ستایش پروردگار

به نام آن که بود عالمی در او شیدا / ز فرط نور بود هم نماند و هم پیدا
صفات او به کمال است عاری از هر نقص / منزله آمده سلطان ربی الاعلی
(۱)

در جای دیگر میگوید:

منم که غیر ثنایت نیاورم به زبان / منم که غیر مدیحت نمیکنم تحریر (۱۲)
مدح پیامبر (ص): فدایی یزدی در مدح پیامبر، او را محمد عربی و شاه خطاب کرده است. نمونه آن در زیر آمده است:

شاهی که باشد چاکرش عمار و سلمان بودرش / کمتر غلامی از درش بر خلق سالار آمده (۳۳)

وی در مورد بخشش پیامبر چنین میگوید:

ز آبر باران ریزد ز دست تو گوهر / برابری نکند با کف تو ابر مطیر (۱۷)
مدح و ارادت خاص به حضرت علی (ع): در قصاید فدایی یزدی، مدح حضرت علی (ع) بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است و همواره در سروده‌های خویش علی (ع) را «شاه ولایت»، «فخر امامت»، «ساقی کوثر ابوتراب»، «سپهر مجد شرف»، «صهر پیامبر، ولی خالق یکتا»، «شاه» و «شهریار» لقب داده است.
سپهر مجد و شرف، آفتاب دولت و دین / که آسمان نکند جز به خواهش تو مدار (۱۴)
وی در اشعار خویش پیوسته شجاعت، بخشش و عدالت حضرت علی (ع) را ستوده است.

فدایی یزدی در شجاعت حضرت علی (ع) میگوید:

حیدر صفدر شجاعی کو به طفلی در به مهد / بَرْدَرْد اژدر به هم با آنکه تیغش در نیام (۲۰)

و بخشش علی (ع) را چنین ستاید:

دامن سائل کند پرگوهر و پرزر بلی / حاصل دریا و کانش باشد اندر آستین (۲۳)

به هر صباح ز تو رزق خویشتن طلبند / که هست کف جواد تو قاسم الارزاق (۴۴)

در توصیف عدالت حضرت علی (ع) چنین می‌گوید:

همای عدل تو در زیر پر بگرفته عالم را / که از باز انتقام خویشتن عصفور می‌خواهد (نسخهٔ وزیری ۱۲)
و گاه بخشش و عدالت را به همراه هم می‌ستاید:

به گاه بذلت باشد ز معن و حاتم ننگ / به وقت عدل تو ز نوشیروانت آید عار (۱۴)
شاعر پیوسته پایداری دین را بخاطر زور بازوی علی (ع) میدانند:

به زور بازوی تو دین احمدی است قوی / که ملک و ملت را ذوالفقار تست ظهیر (۱۸)
و درنهایت حضرت علی (ع) را حلال مشکلات میدانند:

ز مشکلی که به حلش جهان فرومانند / اگر سؤال کنندش چنان کند تقریر
که فی المثل گر جبریل بود سائل / شود مجاب و سر از شرم افکند در زیر (۱۶)
مدح امام زمان (عج)

ظلم رفع از تو میشود آری / عدل را این زمان تویی مصداق (۳۶)

شب پی جودت آسمان دارد / بر دُر از ستارگان اطباق (۳۷)

مدح میرزا فتاح: فدایی یزدی در قصاید خود تنها وزیری که مدح کرده، میرزا فتاح بوده و می‌گوید:

وزیر عادل باذل که از عدالت و جود / فساد امر رعیت همی کنی اصلاح (۸)

به روی هر که در بخشش آسمان بندد / گفت گشاید از جود وقت استفتاح (۹)

توصیف معشوق

رخسار همچو ماه تو بیند گر آفتاب / ز شرم رخ عیان نکند دیگر آفتاب (۷)

توصیف طبیعت

سبزه چنان رسته بر زمین که تو گویی / ساحت غبرا شده است گنبد خضرا (۴)

توصیف عید نوروز

صبح عید و موسم شادی برغم شیخ و شاب / ساقیا میریز در سیمین قدح لعل مذاب (۶)

گله از روزگار و بخت

چه غصه‌ها که نخوردم ز چرخ کجرفتار / چه جورها که ندیدم ز بخت بدبنیاد (۱۱)

خودستایی و حسد حاسدان

به فن شاعری استاد تا شدم ز حسد / حسود در ره انکار شعر من استاد (۱۲)

اظهار یأس و ناامیدی

منم که بوی نکردم گلی ز باغ مراد / به نامرادی من مآدر زمانه نژاد

به هر که روی کنم، پشت میکند بر من / به هر که داد زخم، میکند به من بیداد (۱۱)

نتیجه‌گیری

میرزا سیدیحیی مدرس متخلص به فدایی یزدی از شخصیت‌های علمی و ادبی دورهٔ قاجار است. دیوان اشعار بجامانده از او نسخهٔ ارزشمندی است که تاکنون نا شناخته مانده و تصحیح کاملی از آن صورت نگرفته است. بخشی از این دیوان را قصاید شامل می‌شود. وی ۱۷ قصیده دارد که دربرگیرندهٔ ۶۸۳ بیت است و سه نسخهٔ خطی از آن موجود است. این مقاله از روی نسخهٔ خطی کتابخانهٔ شخصی آقای سیدیحیی مدرس که با خط

زیبای خود شاعر نوشته شده تهیه شده است. قصاید نسبتاً طولانی و گاهی دارای دو مطلع است و تمام آنها از نوع مدحی است. مقاله حاضر اختصاص دارد به سبک شناسی قصاید فدایی یزدی در پنج سطح زبانی، لغوی، نحوی، ادبی و فکری. وی برای ایجاد موسیقی در اشعارش از عوامل موسیقی ساز بیرونی و کناری بهره جسته و بحرهای رمل و مجتث پرکاربردترین آنهاست. قصاید از جهت قافیه غنی است. بکارگیری الفاظ زیبا، موزون و پرمحتوا در قافیه نشان‌دهنده آگاهی از علوم مختلف زمان خود بخصوص زبان عربی است. از ویژگیهای بارز آن استفاده از کلمات عربی در کاربرد قافیه‌ها، تکرار قافیه و کاربرد قافیه میانی است. شاعر برای افزایش موسیقی درونی شعر، از انواع مختلف جناس، تکرار واژه، واج‌آرایی و تضاد بهره گرفته است. در سطح لغوی، لغات و ترکیبات عربی بسامد بالایی دارد. در سطح ادبی، صنایع بدیعی طیفی گسترده دارد و کاربرد آرایه‌های تلمیح، موازنه و تجاهل‌العارف بسامد بالایی دارد. همچنین در کاربرد انواع صور خیال ماهر بوده است و تشبیه با ۷۱/۲٪ از پرکاربردترین ارکان بیانی بحساب می‌آید و نشان می‌دهد در این میان «تشبیه بلیغ» بیشترین بسامد را داراست. شاعر تشبیه را به اعتبار طرفین، ساده‌ترین نوع آن را که در سبک خراسانی رایج بوده است یعنی تشبیه حسی به حسی به کار برده است. در سطح فکری قصاید را با مضامین متعددی آراسته و بیشتر به ستایش حضرت حق، پیامبر و ائمه اطهار مخصوصاً حضرت علی (ع) پرداخته و ارادت خاص خود را به امیرالمؤمنین علی (ع) نشان داده است. وی در سروده‌هایش حضرت علی (ع) را با القاب ساقی کوثر، ابوتراب، آفتاب دولت و دین و... نام میبرد و شجاعت و عدل و بخشش او را میستاید تا جایی که او را حلال مشکلات میدانند. همچنین گله از روزگار و بخت در جای جای قصاید وی بوفور دیده میشود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد استخراج شده است. آقای دکتر عزیزالله توکلی کافی‌آباد راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم فاطمه چاشنی‌گیر بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمود صادق‌زاده به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش

تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Arianpour, Y. (2000). From Saba to Nima. 4th Edition. Tehran: Zavvar, P. 19.
- Derayati, M. (2012). List of Manuscripts. 15th Edition. Tehran: National Documents and Libraries Organization of I.R. Iran, p. 658.
- Ebn Rashigh Ghirvani. A. (1955). Al-Omde. Mohammad Mohyeddin Abdolhamid. Cairo, p. 134.
- Fotouhi, M. (2011). Stylistics of theories, approaches and methods. Tehran: Sokhan, p. 307.
- Ghasemi, R. (2009). Comparative meanings and expression (Comparative study of sixteen new books on semantics and expression). Tehran: Ferdows, p. 304.
- Gholamrezaei, M. (1997). Poetry stylistics. Tehran: Jami, p. 206.
- Khatami, A. (1995). A study in poems and prose of literary return period. Tehran: Paya, p. 202.
- Shamisa, S. (1991). Bayan (Expression). Tehran: Ferdows, p. 19 & 341.
- Shamisa, S. (1995). Expression and meanings. Tehran: Ferdows, p. 38.
- Shamisa, S. (2000). Poetry stylistics. 6th Edition. Tehran: Ferdows, p. 30.
- Shamisa, S. (2004). A fresh look at the novelty. Tehran: Ferdows, p. 89.
- Shamlou, A. and Dezfoulan, K. (2008). Literary return and linguistic coordinates of the poetry of that period. *History of Persian literature* 59 (3), p. 97.
- Shirvani, M. (1969). List of manuscripts of Vaziri Library of Yazd. Tehran: National Literary Works Association, p. 1750.
- Tehrani, A. (1403 AH). Al-Zaree'a ela Tasanife Shee'e. V 9. Qom: Esmaeilian, p. 816.
- Vamegh Yazdi, M.A. (2002). Tazkere Meykade. Masarat, H. Yazd: Andishmandan, p. 36 & 46.

فهرست منابع فارسی

- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۹). از صبا تا نیما. ویرایش چهارم. تهران: زوار، ص ۱۹.
- ابن‌رشیق قیروانی، ابوالحسن. (۱۹۵۵). العمده. به تصحیح محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره، ص ۱۳۴.
- تهرانی، آقازرگ. (۱۴۰۳ق). الذریعه الی تصانیف الشیعه. ج ۹. قم: اسماعیلیان، ص ۸۱۶.
- خاتمی، احمد. (۱۳۷۴). پژوهشی در نثر و نظم دوره بازگشت ادبی. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا، ص ۲۰۲.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۹۱). فهرست نسخه‌های خطی (فنخا). ویرایش ۱۵. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌های ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۶۵۸.
- شاملو، اکبر و دزفولیان، کاظم. (۱۳۸۷). «بازگشت ادبی و مختصات زبانی شعر آن دوره» تاریخ ادبیات فارسی (۳) ص ۵۹، ۹۷.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). بیان. تهران: فردوس، صص ۱۹ و ۳۴۱.

- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). بیان و معانی. تهران: فردوس، ص ۳۸.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). سبک‌شناسی شعر. ویرایش ششم. تهران: فردوس، ص ۳۰.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). نگاهی تازه به بدیع. تهران: فردوس، ص ۸۹.
- شیروانی، محمد. (۱۳۵۰). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیر یزد. تهران: انجمن آثار ملی، ص ۱۷۵۰.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۷). سبک‌شناسی شعر. تهران: جامی. ص ۲۰۶.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها. تهران: سخن، ص ۳۰۷.
- قاسمی، رضا. (۱۳۸۸). معانی و بیان تطبیقی (بررسی تطبیقی شانزده کتاب جدید علم معانی و بیان). تهران: فردوس، ص ۳۰۴.
- وامق یزدی، محمدعلی. (۱۳۸۱). تذکره میکرده. به کوشش حسین مسرت. یزد: بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانه الرسول یزد با همکاری انتشارات اندیشمندان، صص ۳۶ و ۴۶.

معرفی نویسندگان

فاطمه چاشنی‌گیر: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
(Email: f.chashnigir@gmail.com)

عزیزالله توکلی کافی‌آباد: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
(Email: tavakoli@iauyazd.ac.ir: نویسنده مسئول)

محمود صادق‌زاده: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
(Email: shadeghzadeh@lau.yazd.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Fatemeh Chashnigir: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.
(Email: f.chashnigir@gmail.com)

Azizullah Tavakoli Kafiabad: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.
(Email: tavakoli@iauyazd.ac.ir : Responsible author)

Mahmoud Sadeghzadeh: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.
(Email: shadeghzadeh@lau.yazd.ac.ir)